



تأثیر نماز بر وجدان کاری و ایجاد تعهد شغلی از منظر آیات و روایات

پدیدآورده (ها) : حکمت آرا، محمد کریم؛ سلطانی، عادل
علوم قرآن و حدیث :: مطالعات قرآنی :: بهار 1395 - شماره 25 (علمی-ترویجی/ISC)
از 103 تا 131
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1133915>

دانلود شده توسط : مرکز تخصصی نماز
تاریخ دانلود : 30/11/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



تأثیر نماز بر وجدان کاری و ایجاد تعهد شغلی از منظر آیات و روایات

محمد کریم حکمت آرا*

تاریخ دریافت: ۹۴/۷/۲

عادل سلطانی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۸

چکیده

با توجه به نیاز فطری بشر به عبادت و وضعیت کنونی محیط‌های کاری در جوامع اسلامی در عصر حاضر نیاز است تا در جهت تحقق فریضه واجب نماز و تقویت آن در بین محیط‌های کاری گامی برداریم؛ از این رو مقاله حاضر سعی دارد در آغاز به معرفی عبادت، حقیقت، اهمیت، آثار و برکات نماز با توجه به آیات و روایات بپردازد و سپس تأثیر آن را بر فرد و جامعه در داشتن وجدانی بیدار برای دستیابی به سعادت حیات دنیوی و اخروی بحث نماید. در بخش دیگر این مقاله بحث راجع به موضوع‌هایی از قبیل اسرار نماز، علل غفلت از آن و تأثیراتش بر تعهد شغلی کارکنان بوده که در نهایت با مدیریت صحیح مسئولین در حوزه کاری خود با بالابردن انگیزه مسئولیت‌پذیری افراد در جهت بهره‌وری بهتر و تعالی تعهد شغلی آنان با توجه به رشد فزاینده اخلاق حرفه‌ای به کمک فرهنگ اقامه نماز و ارائه راهکارهای کلیدی و سازنده که می‌تواند از مهم‌ترین عوامل رشد و پیشرفت کاری باشد پرداخته شده است.

کلیدواژگان: قرآن، نماز، اهمیت، برکات، عبادت، اسرار، فوائد.

مقدمه

پس از بعثت حضرت خاتم المرسلین(ص) نماز اولین عبادتی بود که برای مردم عصر جاهلیت تشریح گردید چنانکه اهمیت این فریضه کم و بیش بر مسلمانان پوشیده نیست. خداوند رحمان در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ (احزاب/

۵۶)

«خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید»

فریضه نماز به عنوان عملی عبادی دارای ابعاد مختلفی می‌باشد. توجه به آثار و برکات آن ما را به دستیابی شناخت کاملی از نماز رهنمون می‌سازد. دانستن تأثیر نماز در زندگی دنیوی و اخروی بشریت نقش بسزایی در سعادت انسان‌ها ایفا می‌نماید. نماز تمام دین است. می‌توان گفت نماز تجلی واقعی می‌باشد؛ هر کس اهل نماز است اهل دینداری است؛ انسان‌های دیندار دارای درونی پاک و نورانی هستند که این پاکی نشأت گرفته از بیداری وجدانشان است. انسان اگر ظاهرش با باطنش در ارتباط نباشد خود را گم می‌کند و ارتباط با عالم را نمی‌فهمد چون گوش سرش باطن است. لذا افرادی که تارک الصلوة و یا کاهل نمازند، ارزش این هدیه الهی که آثارش به خود شخص بر می‌گردد را نمی‌دانند. چراکه نماز نیاز انسان به خداوندی است که نیازمند نیایش ما نیست، چنانکه ارتباط صمیمانه‌ای است میان انسان و خالق خود، لذا اقامه نماز در محیط‌های کاری و زدودن بدی‌ها از آن محیط و میزان تعهد شغلی کارکنان بستگی به دوری جستن کارکنان از گناه دارد. خدای متعال پس از امر به تلاوت قرآن، پیامبرش را به نماز امر می‌کند؛ چراکه نماز بازدارنده از فحشاء و منکر است، قرآن می‌فرماید:

﴿اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ

اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ (عنکبوت/ ۴۵)

«آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را بر پا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید»

نماز از فحشاء و منکرات نهی می‌کند، اگر دستور داده‌اند که مردم نماز بخوانند، برای این است که نماز آنان را از فسق و فجور باز می‌دارد، چراکه نماز عملی است عبادی که

بجا آوردنش صفتی در روح آدمی پدید می‌آورد و در نتیجه جان و دلش را از گناهان و آلودگی‌هایی که از اعمال زشت پیدا می‌شود، پاک می‌نماید؛ یعنی صفت بازداری از گناه. پیدایش این صفت اثر طبیعی نماز است. که با ذکر حضرت حق است که بدی‌ها از بین می‌رود و قلب‌ها آرام می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های معتبر در سازمان‌ها بالابودن تعهد شغلی است که با اهمیت‌دادن به نماز در بیدارسازی وجدان افراد موثر است. اضافه این که در این رابطه سؤال‌های متعددی مطرح است. از جمله این سؤال‌ها:

اولاً: انگیزه انسان‌ها از اقامه نماز چیست؟ ثانیاً: تجلی این انگیزه تا چه اندازه بر وجدان کاری و ایجاد تعهد شغلی در افراد تأثیرگذار است؟ این دو سؤال از جمله سؤال‌هایی هستند که برای فرهنگ‌سازی اقامه نماز در محیط‌های کاری مطرح می‌گردد. لذا برای پاسخگویی به این سؤال‌ها در بعد اهمیت اقامه نماز در محیط‌های کاری در این مقاله به بررسی و بحث می‌پردازیم.

مفهوم شناسی

نماز

واژه «صلاة» در لغت به معنای صلاة، نماز، دعای خیر، برکت و لطف الهی معنی شده است (آذرنوش، ۱۳۹۲ ش: ۵۸۱). هم‌چنین به معنای دعا، تعظیم و بزرگداشت، به یاد خدا بودن معنی شده است، و در زبان اعراب پیش از اسلام، برای هرگونه عبادت و نیایش استعمال می‌شده است. پیش از اسلام، پیامبران بزرگ الهی امت‌های خود را به برپا داشتن نماز، امر و بدان وصیت نموده‌اند. نمونه بارز آن در آیات شریفه قرآن چنین بیان شده است که:

﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارِزْهُمْ مِنْ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (ابراهیم)

(۳۷)

«پروردگارا من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم پروردگارا تا نماز را به پا دارند پس دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده باشد که سپاسگزاری کنند»

﴿يَا بَنِي إِقْرِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان / ۱۷)

«ای پسرک من نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش این [حاکمی] از عزم [او اراده تو در] امور است»

وجدان

وجدان در فرهنگ لغت عربی است به معنای هیجان تند، وجد، بعد روحی، قوای نفسانی، وجدان، ضمیر و احساس معرفی شده است (آذرنوش، ۱۳۹۲ ش: ۱۱۸۴).

عبادت

عبادت در فرهنگ لغت عربی به معنای پرستش، عبادت، رهبانیت، بخشی از احکام تکلیفی که مربوط به رابطه خدا و انسان است (همان: ۶۵۴). لذا عبادت به معنای اظهار ذلت، عالی‌ترین نوع تذلل و کرنش در برابر خداوند است. در اهمیت آن همین بس که در آفرینش هستی و بعثت پیامبران برای عبادت است (قرائتی، ۱۳۸۶ ش: ۱۹). عبادت اجزایی دارد که رأس و برترین آن‌ها نماز است خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات / ۵۶)

هدف آفرینش هستی و جن و انس، عبادت خداوند است. چنانکه کارنامه همه انبیا و رسالت آنان دعوت مردم به پرستش خدا بوده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ﴾ (نحل / ۳۶)

«و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید پس از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است»

نتیجه اینکه هدف از خلقت جهان و بعثت پیامبران، پرستش خداوند بوده است. لازم به ذکر است خداوند رحمان نیازی به عبادت ما ندارد چنانکه در قرآن می‌فرماید:

﴿إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهََ عَنِّيْ عَنكُمُ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ (زمر/۷)

«اگر کفر ورزید خدا از شما سخت بی‌نیاز است و برای بندگانش کفران را خوش نمی‌دارد و اگر سپاس دارید آن را برای شما می‌پسندد و هیچ بردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد آنگاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان است و شما را به آنچه می‌کردید خبر خواهد داد که او به راز دل‌ها داناست»

و سود عبادت به خود عبادت‌کنندگان برمی‌گردد هم‌چنان که فراگیری علوم در محضر استاد نفعش برای شاگرد است تا استاد. از ریشه‌های عبادت می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

عظمت خدا

انسان وقتی خود را در برابر عظمت و جلال خدا می‌بیند ناخودآگاه در برابر او احساس خضوع و فروتنی می‌کند. آن سان که در برابر یک دانشمند و شخصیت مهم، انسان خویشتن را کوچک و ناچیز شمرده او را تعظیم و تکریم می‌کند.

احساس فقر و وابستگی

طبیعت انسان چنین است که وقتی خود را نیازمند و وابسته به کسی دید، در برابرش خضوع می‌کند. وجود ما بسته به اراده خداست و در همه چیز، نیازمند به اویم. این احساس عجز و نیاز انسان را به پرستش خدا و او می‌دارد. خدایی که در نهایت کمال و بی‌نیازی است. در بعضی از احادیث است که اگر فقر و بیماری و مرگ نبود هرگز گردن بعضی نزد خدا خم نمی‌شد.

توجه به نعمت‌ها

انسان همواره در برابر برخورداری از نعمت‌ها، زبان ستایش و بندگی دارد. یادآوری نعمت‌های بی‌شمار خداوند می‌تواند قوی‌ترین انگیزه برای عبادت خدا باشد. در مناجات‌های امامان معصوم، معمولاً ابتدا نعمت‌های خداوند، حتی قبل از تولد انسان، به یاد آورده می‌شود و از این راه، محبت انسان به خدا را زنده می‌سازد آنگاه درخواست نیاز از او می‌کند. خداوند هم می‌فرماید:

﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۗ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (قریش / ۳-۴)

«پس باید خداوند این خانه را بپرستند. همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد»

فطرت

پرستش جزیی از وجود و کشش فطری انسان است. این روح پرستش، که در انسان فطری است گاهی در مسیر صحیح قرار گرفته و انسان به خداپرستی می‌رسد، گاهی انسان در سایه جهل و یا انحراف به پرستش سنگ و چوب و خورشید و گاو و پول و ماشین و همسر و پرستش طاغوت‌ها کشیده می‌شود. انبیاء برای ایجاد حس پرستش نیامده‌اند، بلکه بعثت آنان، برای هدایت این غریزه فطری در مسیر درست است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «خداوند محمد(ص) را به حق فرستاد تا بندگانش را از بت پرستی به خداپرستی دعوت کند» (نهج البلاغه: ۱۴۷). بیش‌تر آیات مربوط به عبادت در قرآن، دعوت به توحید در عبادت می‌کند نه اصل عبادت، زیرا روح عبادت در انسان وجود دارد. اگر رهبری انبیاء نباشد مسیر این غریزه منحرف می‌شود و به جای خدا معبودهای پوچ و دروغین پرستیده می‌شود. آنگونه که در نبود حضرت موسی و غیبت چهل‌روزه‌اش مردم با اغوای سامری به پرستش گوساله طلایی سامری روی آوردند.

نقش عبادت

عبادت قراردادان همه ابعاد زندگی در مسیر خواست و رضای الهی است. اینگونه رنگ خدایی زدن به کارها، تأثیرهای مهمی در زندگی انسان دارد که به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

باقی ساختن فانی

انسان و همه تلاش‌هایش از بین رفتنی است، اما آنچه برای رضای خدا انجام بگیرد و متعلق به «الله» باشد، به صورت ذخیره در می‌آید و باقی است. قرآن می‌فرماید:

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾
(نحل / ۹۶)

«آنچه پیش شماست تمام می‌شود و آنچه پیش خداست پایدار است و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می‌کردند پاداش خواهیم داد»

تبدیل مادیات به معنویات

اگر هدف در کارها خدا باشد و انسان بتواند جهت کارهایش را در مسیر خدا قرار دهد، حتی کارهای مادی از قبیل خوردن، پوشیدن، مسافرت، دیدار، کار روزانه، تحصیل، همه و همه معنوی می‌شود. بر عکس، گاهی مقدس‌ترین کارها، اگر با هدف مادی و دنیوی انجام گیرد از ارزش می‌افتد. اول نهایت استفاده است، دومی نهایت زیان.

سازندگی فرد و جامعه

عبادت و توجه به خدا و پرستش او، چون همراه با نادیده گرفتن هوس‌ها و تمایلات، و تفاخر نداشتن نسبت به لباس و نژاد و زبان و شهر است و انس گرفتن با خدا و دل بستن به بی‌نهایت قدرت و کمال و تشکر از صاحب نعمت است، این مسائل در ساختن فکر و زندگی اجتماعی و فردی مردم نقش دارد. عبادت، حرکت در مسیر مستقیم الهی است:

﴿وَأَنْعَبُدُوكَ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾ (یس / ۶۱)

«و این که مرا بپرستید این است راه راست»

عبادت هم انسان را به صورت فردی از بردگی هوس‌ها و گناهان و شیطان نجات می‌دهد، و هم یک جامعه عابد که خدا را می‌پرستند از پرستش طاغوت‌ها و ستمگران و ابرقدرت‌ها آزاد می‌شود. عبادت، هم فردساز است و هم جامعه ساز، فساد جوامع بیش‌تر از گرایش به عبودیت و پرستش غیر خدا سرچشمه و ریشه می‌گیرد.

ابعاد عبادت

در فرهنگ اسلام عبادت فراتر از نمونه‌هایی چون نماز و روزه است. همه کارهای شایسته‌ای که به نفع مردم نیز باشد عبادت است. به برخی از کارها که در اسلام، عبادت به حساب آمده، اشاره می‌کنیم:

تفکر در کار خدا

امام صادق (ع) می‌فرماید: «عبادت، زیاد نماز خواندن و روزه گرفتن نیست، همانا عبادت، اندیشیدن در امر خداست» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸ ش: ۵۴۲). تفکری که انسان را به خدا نزدیک و آشکار سازد عبادت به حساب آمده است.

کسب و کار

رسول خدا(ص) فرمود: «عبادت هفتاد بخش است، برترین آن‌ها طلب حلال و به دنبال روزی رفتن است»(حر عاملی، ۱۴۰۹.ق: ۱۱).

آموختن دانش

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «کسی که از خانه به دنبال آموختن دانش به بیرون برود تا با آن باطلی را رد کند و گمراهی را به هدایت بکشد. کار او همچون چهل سال عبادت است»(فیض کاشانی، ۱۴۱۷.ق: ۱۹).

خدمت به مردم

روایات بسیاری است که خدمت به مردم و رسیدگی به مشکلات آنان را از بسیاری از عبادت‌ها و حج مستحب، به مراتب برتر به حساب آورده است(قرائتی، ۱۳۸۶ش: ۲۰-۲۶). به هر حال در زمان حاضر، مقصود از نماز، عبادت ویژه‌ای است که منظر تعالیم روح‌بخش دین اسلام، انجام آن واجب و ترک آن حرام و از گناهان کبیره است و همه مسلمین به شکل واحدی، آن را به جا می‌آورند. اما باید دانست که حقیقت نماز، در مرتبه والاتر و برتری قابل تعریف است و وجوب این عبادت ارزشمند، صرفاً برای رفع یک تکلیف از تکالیف دینی و انجام یک واجب از جمله واجبات الهی نبوده است. بلکه نماز در حالی که تکلیف است به مثابه یک معلم اخلاق، روح و قلب انسان را صیقلی می‌دهد و برای او صفای دل و پاکی باطن به ارمغان می‌آورد. در واقع نماز، موجب سازندگی روحی و اخلاقی آدمی می‌شود و نظیر معلمی که همه جا حضور دارد و همه می‌توانند از آن بهره ببرند، به تدریج روح و اخلاق انسان را پاکیزه می‌کند و موجب نجات او از گمراهی‌ها و باعث هدایت وی به سوی رستگاری می‌شود. مانع اثرگذاری جرقه‌های انحرافی روی دل او و مانع سقوط و تباهی وی می‌شود. نکته مهم آن است که نماز، برای کسانی انسان‌ساز است و تربیت کسانی را بر عهده می‌گیرد که به روح و باطن نماز و جنبه‌های اخلاقی آن توجه داشته باشد. در دین اسلام نماز اگر با آداب و شرایطش به جا آورده شود، انسان را نه تنها به آرامش کافی می‌رساند که او را به تدریج از سطوح پایین تحولی بالا برده و او را به سطح متعالی می‌رساند(احمدی، ۱۳۷۷ش: ۱۴).

حقیقت نماز

محور اول: نماز عبادت پروردگار.

محور دوم: نماز شکر منعم.

محور سوم: نماز هدف خلقت زندگی است و هدف خلقت است.

محور چهارم: نماز نجات‌دهنده انسان از هلاکات رذیله اخلاقی انسان است.

به جهت اینکه نماز سرشار از ذکر خدا و یادآوری کمالات واقعی انسانی است و انسان را به یاد آخرت و تکلیف خدا می‌اندازد، و انگیزه صالح‌شدن و پاکیزه‌شدن و از دنیا دور کردن و به دین پیوستن و تزکیه نفس و تذهیب را فراهم می‌کند، و افعال و اذکار نماز همگی در این راستا قرار دارد، از این روی نماز خواندن و با نماز انس داشتن انسان را از ملکات رذیله اخلاقی که ناشی از غفلت، حب دنیا، شهوت و مانند آن می‌باشد، دور و فرد را نجات می‌بخشد. در قرآن یکی از محورهای بیان حکمت‌ها و فلسفه‌های نماز همین بخش می‌باشد. طبیعت انسان داشتن حرص شدید به دنیا است. و هنگامی که ناگواری، گرفتاری، و مانند آن، به او می‌رسد به شدت بی‌تابی می‌کند. و هنگامی که نعمت‌ها و خوشی و آسایش و امکاناتی مانند ثروت و مال به او می‌رسد، از دیگران دریغ می‌نماید. حرص شدید، جزع و بی‌تابی و بخل و انحصارطلبی، این‌ها در طبیعت انسان است ولی در فطرت انسان نیست، ولی یکی از چیزهایی که انسان با او همراه است و بر اثر غفلت و اعراض از یاد خدا زیاد می‌شود یعنی به طور خلاصه انسان طبیعی تا چه برسد به انسان گرفتار، از نظر اخلاقی این سه ملکه رذیله را دارد. البته ملکات رذیله دیگری هم دارد. راه حلشان چیست؟ اولین راه حل روی آوردن به نماز است که نماز انسان را از هلاکات نجات می‌دهد (بامری، ۱۳۸۸ش: ۴۳ - ۴۲).

در قسم دیگر بحث این است که نماز افعال انسان را کنترل می‌کند، نمی‌گذارد انسان گناه کند. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید:

﴿اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾ (عنکبوت / ۴۵)

«ای رسول، آنچه را که کتاب آسمانی قرآن بر تو وحی شد، بر خلق تلاوت کن و نماز را به جای آور که همین نماز است اهل نماز را از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و ذکر خدا بزرگ‌تر است و خدا به همه کارهای شما آگاه است»

اهمیت و فوائد نماز

نماز ستون دین و یکی از مهم‌ترین راه‌های بندگی خداوند متعال در دین و راه و رسم انبیاء(ع) است؛ نماز یاد کردن خدا به پاکی، یگانگی و بزرگداشت مقام اوست؛ نماز توشه مؤمنین در دنیا و آخرت، شفیع بندگان در قیامت و مایه نجات آدمیان است. نماز مایه هدایت و ایمان، باعث دوستی فرشتگان و عامل شناسایی حق است(صدوق، ۱۴۰۳ق: ۵۲۲). نماز از جمله عبادات بسیار ارزشمندی است که در احکام عملی اسلام، از افضل اعمال به شمار می‌رود. بعد از اعتقاد به اصول دین، نماز از بارزترین نشانه‌های متقین بوده و قرآن شریف متقین را با این علامت معرفی و توصیف نموده است:

﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره / ۳)

«آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند»

اهمیت نماز به اندازه‌ای است که قرآن از آن به عنوان یکی از دعاهای مهم حضرت ابراهیم(ع) برای خود و فرزندان‌شان یاد می‌کند:

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ (ابراهیم / ۴۰)

«پروردگارا مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز پروردگارا و دعای مرا بپذیر» حضرت رسول(ص) فرمودند: «اولین چیزی که خداوند بر امت من واجب کرد، نمازهای پنج‌گانه است و اولین چیزی که از اعمال ایشان بالا برده شود، نمازهای پنج‌گانه است و اولین چیزی که نسبت به آن مورد سؤال واقع می‌شوند نمازهای پنج‌گانه است»(عزیزی، ۱۳۸۶ش: ۲۷).

امام صادق(ع) در این رابطه می‌فرماید: «بعد از معرفت خداوند، عبادتی را بالاتر از نماز نمی‌شناسم»(کلینی، ۱۳۶۵ش: ۲۶۴).

نماز مانند نهر روان و چشمه زلال و پاکیزه‌ای است که انسان مؤمن هر روز روح و روان را در آن می‌شوید(مظاهری، ۱۳۹۱: ۱۵). امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: «پیامبر(ص) نماز را به چشمه زلال آب گرمی تشبیه فرمودند که نمازگزار در شبانه روز پنج نوبت در آن شست و شو می‌کند»(نهج البلاغه: خطبه ۱۹۹). پیامبر گرامی اسلام(ص) و حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «نماز وسیله قرب هر پرهیزکاری است»(شعیری، ۱۳۶۳ش: ۷۲؛ نهج البلاغه: حکمت ۱۳۶).

نماز بسیاری از فضیلت‌ها و نیکویی‌ها را برای انسان تحصیل و بسیاری از رذایل و زشتی‌ها را از او دور می‌کند. نماز معلم اخلاق انسان است. معلمی که همه جا حضور دارد و همه می‌توانند از آن بهره ببرند، به تدریج روح و اخلاق انسان را پاکیزه می‌کند و موجب نجات انسان از گمراهی‌ها و هدایت او به سوی رستگاری می‌شود، معلمی که انسان را به راه راست که راه سعادت است، هدایت می‌کند. وظیفه معلم اخلاق، به وجود آوردن قلب مطمئن در وجود شاگرد و کشاندن او به سمت یک سکینه مطلق است. وی باید نهال رذیلت را از دل شاگرد برکند و به جای آن، درخت فضیلت بنشانند. استاد شاگرد را از ظلمت نفس اماره، به عقل مطلق و از ظلمات صفات رذیله، به نور فضیلت می‌کشاند. هم‌چنین او شاگرد خود را به سوی خداوند و به سمت نور مطلق رهبری می‌کند تا جایی که نور الهی در دل شاگرد جلوه‌گر شود و رفتار او و به عبارت روشن‌تر وجود او را خدایی می‌کند. نماز واقعی نیز مانند معلم اخلاق انسان را به معراج حقیقی، قرب معنوی و وصول به حق رهبری می‌کند.

دوری کردن از کارهای ناروا چه در پنهان و چه در آشکار از آثار و خواص نماز است. نماز با حضور قلب انسان را از ارتکاب گناهان کبیره و صغیره باز می‌دارد. نماز بهترین وسیله تأمین آسایش و آرامش روح و روان انسان در دنیا و برخوردارگی از نعمت‌های بهشتی در آخرت است. احیاء و اقامه نماز، اثرات فراوانی در دنیا و آخرت برای انسان دارد و چنانچه در متن زندگی قرار بگیرد و هنگام نماز همه چیز جز نماز فراموش شود، برکات بسیاری خواهد داشت از جمله:

اولاً: انسان در اواخر عمر و بعد از دوران عزت، ذلیل و خوار نشود. نعوذ بالله به جایی نرسد که همه از دست او خسته شوند و خود نیز آرزوی مرگ کند. ثانیاً: آن است که یک دفعه جرقه سقوط و انحراف برای انسان جلو نیاید. نماز حقیقی باعث می‌شود جرقه‌های انحرافی، افکار شیطانی و نظرات گمراه‌کننده که در اجتماع ایجاد شده است روی دل آدمی اثر نگذارد. گاهی اوقات دیده شده است که بعضی از افراد با آنکه سر و کار با مسجد، روحانیت و معنویت دارند اما ناگهان منحرف می‌شوند و به جایی می‌رسند که حتی نماز هم نمی‌خوانند! ثالثاً: از عاقبت به خیری است که هنگام مرگ/میر *المؤمنین(ع)* را ببینیم و نزد آن حضرت سرفراز و رو سفید باشیم. بنابراین لازم است با

دعا کردن و توجه بیش‌تر به نماز در طول زندگی از خداوند بخواهیم عاقبت امور ما را ختم به خیر گرداند (مظاهری، ۱۳۹۱ ش: ۱۸-۱۶).

اگر نماز واقعاً نماز باشد در رفع گرفتاری‌ها به انسان کمک می‌کند. بسیار دیده شده در گرفتاری‌های سخت دو رکعت نماز با حضور قلب باعث رفع گرفتاری‌های مهم زندگی انسان‌ها شده است. از روایات اهل بیت (ع) نیز استفاده می‌شود که نماز بهترین چیزها برای رفع حوائج است. در روایات داریم انسان وقتی گرفتار می‌شود اگر دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز حاجتش را از خداوند بخواهد پروردگار عالم حاجتش را به او عنایت می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۳۰۲).

اگر می‌بینیم که بعضاً گرفتاری‌های زیادی در جامعه وجود دارد دلیل آن عدم اهتمام اجتماع به اقامه نماز است. به عبارتی دیگر وقتی که باید همه چیز فدای نماز شود و جامعه دینی، نماز را در اولویت کارهای خود قرار دهد، ولی متأسفانه در وقت نماز مسجدها خلوت است، گرفتاری‌ها نیز به سوی اجتماع ما روی می‌آورد. در حقیقت، وجود گرفتاری‌ها، به خاطر اهمیت ندادن به نماز است، همان‌گونه که رفع گرفتاری‌ها و مشکلات نیز به وسیله نماز خواهد بود. به مصداق آیه شریفه:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ (بقره / ۴۵)

«از شکیبایی و نماز یاری جوید و به راستی این [کار] گران است مگر بر فروتنان» نماز باعث ایجاد و گسترش سعه صدر در وجود انسان می‌شود. آیات شریفه قرآن

مجید:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۖ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۖ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۗ ۚ إِنَّ الْمَصَلِينَ﴾ (معارج / ۱۹-۲۲)

«به راستی که انسان سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است. چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند. و چون خیری به او رسد بخل ورزد. غیر از نمازگزاران»

یکی دیگر از فواید نماز آن است که نگرانی، اضطراب و افسردگی را در مؤمنان حقیقی و نمازگزاران واقعی از بین می‌برد چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد / ۲۸)

«همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد»

بزرگان نیز به تأسی از آموزه‌های دین و معارف اهل بیت(ع) هرگاه در برابر پیش‌آمدهای سخت و امور مشکل‌قرار می‌گرفتند بی‌درنگ دو رکعت نماز می‌خواندند. شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا فیلسوف و دانشمند مشهور در کتاب «شفا» و بعضی دیگر از کتب خود می‌گویند: «در هر علمی چند روز شاگردی می‌کردم و بعد از چند روز استاد من شاگرد من می‌شد ولی در علوم الهی بعضی اوقات چهل مرتبه مسأله را بررسی می‌کردم و شبیه آن حل نمی‌شد و نهایتاً با پناه به عالم ملکوت شبیه حل می‌شد». ابوعبید جوزجانی که یکی از شاگردان شیخ و ملازم با او می‌باشد نیز می‌گوید: «مسجدی نزدیک خانه شیخ‌الرئیس بود. او به آن مسجد می‌رفت و با نماز و رابطه با عالم غیب مشکلات علمی خود را حل می‌کرد» (اشکوری، ۱۳۸۲: ۱۶۳).

جز آنچه از آیات و احادیث نقل شد رفتار اولیاء خدا نیز اهمیت و جایگاه آن را بیان می‌کند. نماز جز برنامه انبیاء بوده است. حضرت عیسی(ع) در گهواره می‌گوید: «خدا مرا تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است» (مریم / ۳۱). امام حسین(ع) ظهر عاشورا در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن هم نماز را رها نکرد.

حضرت ابراهیم(ع) همسر و کودک خویش را در بیابان‌های داغ مکه رها کرد که آن هنگام هیچ آب و گیاهی نداشت و گفت «خدایا تا نماز به پا دارند». پیشوایان معصوم ما هنگام نماز رنگ خود را می‌باختند و می‌فرمودند: «وقت ادای امانت الهی و حضور در پیشگاه الهی است» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۴). لذا آن که اهل نماز است با مبدأ هستی مرتبط است. مثل خلبانی که با اتاق فرمان ارتباط دارد. نماز سبب آمرزش گناهان و زدودن آثار لغزش‌هاست (قرائتی، ۱۳۸۶: ۸۳ - ۸۲).

آثار و برکات نماز

نماز غفلت‌زدا است. بزرگ‌ترین مصیبت برای رهروان راه حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی و لذایذ زودگذر گردند. ولی نماز به حکم اینکه در فواصل مختلف، و در هر شبانه‌روز پنج بار انجام می‌شود، مرتباً به انسان اخطار می‌کند، هشدار می‌دهد، هدف آفرینش او را خاطر نشان می‌سازد، موقعیت او را در

جهان گوشزد می‌کند و این نعمت بزرگی است که انسان وسیله‌ای در اختیار داشته باشد که در هر شبانه‌روز چند مرتبه قویاً به او بیدارباش گوید.

آثار دنیوی نماز

جز پاداش‌های اخروی و بهره‌های معنوی که از نتایج اخلاص است، یک سری آثار دنیوی هم دارد که به برخی اشاره می‌شود:

۱. مدیریت جامعه

اگر حسن نیت و خلوص در مسئولان اجتماعی باشد، کارها بهتر انجام شده و عدالت بهتر اجرا می‌شود. حضرت علی(ع) به مالک/اشر می‌فرماید: «به وسیله حسن نیت به مردم، برای اجرای عدالت اجتماعی کمک بگیر» (نهج البلاغه: نامه ۵۳) لذا روحیه خیرخواهی خالصانه، قوی‌ترین اهرم ایجاد عدالت است.

۲. بهبود وضع اقتصادی

افراد خوش‌قلب و خیرخواه و مخلص، حتی در امور اقتصادی و کسب و کار هم موفق‌ترند و خلوصشان پشتوانه حیثیت اجتماعی و جلب مشتری و اعتماد مردم به داد و ستد با آنان است. شاید این کلام علوی، به این مسأله مربوط باشد که فرموده است: «رزق هر کس به اندازه نیت اوست» (عزیزی، ۱۳۸۶: ش: ۶۰).

۳. روابط خوب اجتماعی

افراد خوش‌باطن و خوش‌نیت، در دل‌ها جا دارند و حتی اگر خلاقی هم بکنند، به خاطر صفا و حسن نیت، زندگیشان تلخ نمی‌شود و مردم دوستشان دارند. حضرت علی(ع) فرموده است: «هر که دارای حسن نیت باشد، موقعیت او بهتر و زندگیش پاک‌تر می‌شود و دوستی با او لازم است». این از جهت آثار خوب نیت صالح بود. برعکس، اگر نیت ناسالم و شوم باشد، عوارض آن دامن‌گیر خود انسان می‌شود و غیر از عقوبت‌های اخروی، بلاهای اجتماعی نیز در پی دارد. چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «هرگاه نیت خراب شود، بلا فرود می‌آید» (قرائتی، ۱۳۸۶: ش: ۱۲۴-۱۲۲).

نیت‌های قوی و انگیزه‌های خوب، حتی از بدن‌های ناتوان هم کارهای مهم می‌کشد. اگر انگیزه، نیرومند و الهی باشد، نه خستگی در کار است، نه نومیدی و دل‌سردی. به

همین جهت در هیچ‌یک از اولیای خدا، خودباختگی و ضعف اعصاب، حتی در پیری دیده نمی‌شود، چراکه دل و جان‌شان با نیت‌های خاص الهی سرشار است و از او مدد می‌گیرند و در برابر همه مشکلات و بحران‌ها و دشمن‌ها و قدرت‌ها می‌ایستند. نمونه‌اش امام امت (قدس سره) که دل آرامی به یاد خدا داشت و ابرقدرت‌ها را به زانو درآورد.

امام حسین (ع) روز عاشورا، که با آن همه داغ‌ها و شهادت‌ها روبه‌رو بودند و اسارت خانواده خویش را پیش‌بینی می‌کردند، هرچه تنهاتر می‌شد و یارانش به شهادت می‌رسیدند، خودش چهره‌اش برافروخته‌تر از عشق می‌شد و به خداوند تکیه داشت و می‌فرمود: «آنچه این شدائد را بر من آسان می‌کند آن است که می‌بینم همه در محضر خداوند است و او می‌بیند و شاهد است».

آثار اخروی نماز

نماز توشه انسان برای آخرت است؛ خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ، مَا تَقَدَّمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (بقره/ ۱۱۰)

«و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید و هرگونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا باز خواهید یافت آری خدا به آنچه می‌کنید بیناست»

نماز برترین و عالی‌ترین مکتب برای تربیت انسان‌هاست چنانکه در روایت آمده است: «وَأَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ فَقَالَ لَهُ أَعْنِي بِكَ كَثْرَ السُّجُودِ» (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۱۰): «مردی خدمت پیامبر رسید و عرض کرد از خداوند بخواه که مرا وارد بهشت کند. حضرت (ص) فرمود: (اگر بهشت می‌خواهی) با زیاد سجده کردن برای خداوند مرا یاری کن».

«سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ عَنِ الصَّلَاةِ؛ قَالَ زَادَ الْمُؤْمِنَ مِنَ الدُّنْيَا لِالْآخِرَةِ وَشَفِيعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَأَنْسَ فِي قَبْرِهِ وَفِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ وَجَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَتَكُونُ صَلَاةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمَحْشَرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ وَنُورًا عَلَى وَجْهِهِ وَلِيَأْسَأَ عَلَى بَدَنِهِ وَسِتْرٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ وَحُجَّةٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الرَّبِّ جَلَّ جَلَالُهُ وَنَجَاةٌ لِبَدَنِهِ مِنَ النَّارِ وَجَوَازٌ أَعْلَى الصِّرَاطِ وَمِفْتَاحٌ لِلْجَنَّةِ وَمُهَوَّرٌ لِلْحُورِ الْعِينِ وَتَمَنَّا لِلْجَنَّةِ» (از پیامبر راجع به نماز پرسیده شد؛ حضرت فرمودند: نماز توشه مؤمن از دنیا برای آخرت است. شفیع میان

او و ملک الموت است. انس مؤمن در قبرش. فرشی زیر پهلوی او. جواب نکیر و منکر. تاجی بر سر مؤمن در صحرای محشر. نوری در صورتش. لباس و پوششی بر بدنش. حجابی بین او و آتش دوزخ. حجتی میان او و خدا. نجات بدن او از آتش. جواز عبور او از پل صراط. کلید بهشت. مهریه زنان بهشتی. بهای بهشت است» (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۷۶).

نماز از دیدگاه عقل و وجدان

یکی از حقوق انسانی، سپاس از محبت و نیکی دیگران است، حتی اگر مسلمان نباشیم، احسان و نیکی به عهده من مسئولیت تشکر می‌گذارد. این حق نسبت به هر زبان و نژاد و ملیت و کشور، یکسان است. هر چه لطف و نیکی بیش‌تر و نیکی‌کننده بزرگ‌تر باشد، تشکر هم باید بیش‌تر و بهتر انجام گیرد و ...؛ آیا کسی بیش‌تر از خدا بر ما حق دارد؟ خیر، چراکه نعمت و نیکی او درباره ما بی‌شمار است، و خودش نیز وجودی عظیم و فیاض می‌باشد.

خداوند ما را از یک سلول آفرید، و هرچه نیاز حیات ما بود، از قبیل نور، حرارت، مکان، هوا، آب، اعضا، غرائز، قوا، طبیعت گسترده، گیاهان و حیوانات، هوش و عقل و عاطفه و ... برایمان فراهم کرد و برای تربیت معنوی ما، رسولان خویش را فرستاد و احکام سعادت بخش مقرر کرد و حلال و حرام، وضع نمود و «حیات مادی» و «حیات روحی» ما را از هر جهت برخوردار از ابزار و وسایل کمک ساخت و همه شرایط رشد و بهروزی و سعادت دنیوی و اخروی ما را فراهم نمود. خداوند ما را از هدایت انبیاء و معصومین برخوردار ساخت، جهان و طبیعت را مسخر انسان کرد و به او قدرت بهره‌بردن از مواهب طبیعت و کشف رازهای جهان و استفاده از آن در مسیر فلاح و زندگی خویش داد. برگ‌ها و گیاهان، کربن هوا را می‌گیرند و اکسیژن می‌سازند. قطرات باران، هوا را صاف و سالم می‌کنند. نهنگ‌ها، ماهیان مرده دریاها را می‌بلعند تا آب‌ها بدبو نشوند. چشم‌های ما، هر لحظه، از زاویه‌های مختلف عکس‌های گوناگون و دقیق از همه چیز می‌گیرند. اگر لب ما نرم نبود، قدرت حرف زدن نداشتیم. اگر اشک، شور نبود، چشم ما که از پیه آفریده شده، خراب می‌شد. اگر آب‌ها تلخ و شور بودند درختان نمی‌رویدند. اگر زمین جاذبه نداشت، و اگر فاصله خورشید به ما نزدیک‌تر بود، اگر هنگام تولد مکیدن

را نمی‌دانستیم، اگر مهر پدر و مادر نبود، و هزاران «اگر» دیگر ... آیا می‌توانستیم به زندگی ادامه دهیم؟

البته نه در صدد برشمردن نعمت‌های خداییم و نه از عهده آن بر می‌آییم، که خداوند خود فرمودند اگر نعمت‌های الهی را بشمارید، نمی‌توانید آن‌ها را به حساب آوردید. باری... اگر یک میلیونیم این نعمت‌ها را از کسی دریافت می‌کردیم، همه عمر مدیون و سپاسگزار او نبودیم؟ وظیفه انسانی و وجدانی ما ایجاب می‌کند که سپاس نعمت‌های الهی را ادا کنیم و به شکرانه آن همه نیکی، نماز بخوانیم و او را بیرستیم. چون او ما را آفریده ما هم او را عبادت کنیم و بنده او باشیم تا بنده و برده شرق و غرب نشویم. نماز شکر از خداوند است و هر انسان عاقل و با وجدانی، به لزوم نماز پی می‌برد(قرائتی، ۱۳۸۶ش: ۸۵-۸۳).

از جمله نشانه‌های رفتار عاقلانه که در سیمای نمازگزاران مشاهده می‌کنیم، دوربودن از همه آفت‌ها و زشتی‌ها و متصف‌شدن به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست، چراکه نماز انسان را از همه بدی‌ها و زشتی‌ها باز می‌دارد و انسان را امر به معروف و ناهی از منکر می‌کند و زندگی خردمندانه یعنی تقید در حریم ارزش‌ها، دوری از مفسده‌ها و تقویت خوبی‌ها. از دیگر نشانه‌های رفتار عاقلانه که می‌بایست همواره در اخلاق و منش نمازگزاران عاقل و عاقلان نمازگزار نمایان باشد و برای دیگران الگو(افروز، ۱۳۷۷ش: ۲۵).

ارتباط نماز با تعهدات شغلی

در لابه‌لای مشغولیت‌های فکری که انسان را احاطه کرده است، وی خیلی کم و به ندرت می‌تواند به خود و هدف زندگی و گذشت لحظات و ساعات و روزها بیندیشد. نماز زنگ بیداری و هشدار در ساعات مختلف شبانه‌روز است، به او برنامه می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد، در آن هنگام که او مشغول و بی‌خبر از طی زمان و انقضای عمر است او را می‌خواند، به او می‌فهماند که روزی گذشت، روزی آغاز شد، باید فعالیتی کنی، مسئولیتی بزرگ‌تر بر عهده بگیری و کار مهم‌تری انجام دهی. به دلیل آنکه بخشی از عمر، از فرصت عمل به سر آمد باید بیش‌تر تلاش کرد و پیش‌تر رفت، زیرا هدف بزرگ

است، مگر تا وقت نگذشته به آن دست یافت. از جانبی دیگر، فراموش کردن هدف و جهت در زیر فشار گرفتاری‌های مادی، امری واضح و طبیعی است. از طرفی، امکان مرور همه تعهدهایی که در راه رسیدن به هدف، بر عهده آدمی هست، در هر روز، تقریباً ناممکن و محال است و شنیدن از کسی که حرفه‌اش این است محال‌تر (خامنه‌ای، بی‌تا: ۱۱-۱۰).

اسلام در متن جامعه، بکارگیرنده تن و اندیشه و روان انسان‌ها است و از این هر سه برای خوشبختی آنان کار می‌کشد. نماز نیز در عمل یک فرد، عیناً چنین است. زیرا در حال نماز، تن و اندیشه و روان هر سه به کار و فعالیت‌اند. تن: با حرکات دست و پا و زبان، با خم شدن، نشستن، به خاک افتادن... فکر: با اندیشیدن در مضامین و الفاظ نماز که عموماً اشاره به هدف و وسیله‌هاست، و مرور کردن یک دوره طرز تفکر و بینش اسلامی به اجمال. روان: با یاد خدا و پرواز در صفای معنوی و روحانی، و باز داشتن دل از هرزه‌گردی و پروانیدن بذر خشوع و خشیت خدا در جان. گفته‌اند که نماز در هر آئینی، خلاصه آن آئین است. نماز اسلام نیز کاملاً چنین است. جمع کردن میان روح و جسم، میان ماده و معنا، میان دنیا و آخرت، چه در لفظ، چه در محتوا و چه در حرکات، از ویژگی‌های نماز اسلامی است. چنین است که مسلمانان، با گزاردن نماز کامل همه‌گونه انرژی خویش را در راه تعالی خود به کار می‌گیرند یعنی در آن واحد، از امکانات جسمی و فکری و روحی خویش در این راه بهره می‌کشد. گزارنده نماز درست، به همان دلیل که با تمام قوا، پیونده راه خدا است، همه انگیزه‌های شر و فاسد و انحطاط را در راه خود و در پیرامون خود بی‌اثر می‌سازد.

به نظر می‌رسد که اقامه نماز، چیزی فراتر از گزاردن نماز است. یعنی فقط همین نیست که کسی خود به عمل نماز، قیام کند. بلکه این نیز هست که در جهت و سمت نماز، جهت و سمتی که نماز بدان فرا می‌خواند، به راه افتد و دیگران نیز به راه اندازد. گویا بر پا داشتن نماز آن است که انسان، با کوششی بایسته، جو و فضای زندگی خود و دیگران را جوی نمازگزارانه یعنی خداجویانه و خداپرستانه بسازد و همه را در خط و جهت نماز به راه افکند. پس مؤمن یا جامعه مؤمن با اقامه نماز، ریشه تباهی و گناه و فساد را در خود و در محیط می‌سوزاند و روحیه گناه و انگیزه‌های درونی و برونی (عوامل

نفسانی و اجتماعی) آن را خنثی و بی‌رنگ می‌سازد. محققاً نماز (فرد و جامعه را) از کارهای زشت و ناپسند، باز می‌دارد (همان: ۱۵-۱۴).

نمازگزاری و کار

ارزش انسان به معنویت و عبادت اوست، در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مسلمان بی‌نماز بی‌ارزش است». این حدیث، به ما می‌آموزد که نماز به انسان ارزش می‌دهد و او را بالا می‌برد و به جایی می‌رساند که همه مردم خواهان او هستند؛ چون یک نمازگزار واقعی مورد اعتماد همه است، اهل خیانت نیست، نمازگزار اهل کار است، و می‌داند اگر می‌خواهد نماز او را به معراج ببرد، باید به کار اهتمام بورزد و از کار کم نگذارد و دزدی نکند، و با تلاش دنبال معاش زندگی برای اهل خانواده برود، با این دید تولید جامعه بالا می‌رود (عزیزی، ۱۳۸۸ش: ۲۰).

نماز عامل بهره‌وری و پیشرفت شغلی

نماز نویدبخش آزادی، عزت، سربلندی و نشاط درونی و اجتماعی است، انسان‌های مقید به انجام وظیفه نماز درونی نورانی و آکنده از مهر و محبت نسبت به دیگر هم‌نوعان خویش دارند. نماز دستاوردهای زیادی دارد که باید هر کدام از این دستاوردها را با جان و دل حفظ نمود. چه بسا افرادی در هر حرفه و مقامی خواسته و یا ناخواسته در تعهد کاری خویش کاهل‌اند و باعث بروز نارضایتی برای دیگر همکاران خود در این دنیا و دزدی از کار و گرفتن دستمزد بابت عمل انجام نداده و به همراه داشتن عذاب اخروی گردند لذا اقامه نماز برای تشکر از خداوند متعال باعث صیقل و پاکی درون و بیداری وجدان فرد می‌گردد.

نمازهای یومیه تجدید پیمان‌های متعددی می‌باشد که به عنوان غذای روح مسلمان در کارهای روزانه کمک می‌کند تا در مسیر صراط مستقیم گام بردارد و همان‌طور که رسول مکرّم (ص) می‌فرمایند: «صورت دین اسلام نماز است، صورت زندگی اقتصادی ما کار است. کمیت و کیفیت کار نیز در صورتی در حد مطلوب قرار می‌گیرد که با بهره‌وری بالا انجام پذیرد. بهره‌وری نیروی کار نیز در صورتی در سطح بالا قرار خواهد گرفت که

آموزش‌های نماز مورد ارتقاء بهره‌وری مورد توجه و عمل واقع شود. لذا نماز و معنویت موتور اقتصادی اسلام است. وجود انگیزه معنوی در کنار وجود انگیزه مادی سبب افزایش بهره‌وری می‌شود که این به نوبه خود سبب بالا رفتن سطح زندگی و رفاه خواهد شد. اسلام برای نماز شرایطی را مقرر داشته است که ما از آن‌ها و مراعات آن‌ها به دست می‌آوریم می‌توانیم بهره‌وری را در بخش‌های مختلف اقتصاد افزایش دهیم. آشنایی با اجزای مقدمات نماز و انواع نمازهای واجب و مستحب و نقش هر یک از آن‌ها در ارتقای کار مؤثر است (همان: ۲۲-۲۳).

هم‌چنین حکمت‌هایی در نماز وجود دارد که برای انسان ایجاد انگیزه می‌کند و باعث تشویق و ترغیب وی به اعمال نیکو و پسندیده و پیشرفت در زندگی و تعهدات کاری‌اش برای کسب روزی حلال برای معاش خود و خانواده را می‌گردد. هم‌چنین سعادت انسان‌ها در تمام امورات زندگی در گرو کمک خواستن از خداوند رحمان است و این کمک خواستن در جهت تحقق موفقیت در زندگی روزمره به کمک عبادت (نماز) حاصل می‌گردد. نماز در اخلاق حرفه‌ای انسان‌ها نقش ایفا می‌کند و درک روحیه و نشاط و صبر و صلابت می‌آورد در غیر این صورت فاقد ارزش است لذا در این رابطه قرآن می‌فرماید:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ﴾ (حج / ۱۱)

«و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می‌پرستد پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد و چون بلایی بدو رسد روی برتابد در دنیا و آخرت زیان‌دیده است این است همان زیان آشکار»

یعنی برخی از مردم هستند که خداوند را بر کناره و لبه و حاشیه کار عبادت می‌کنند از این جهت از آیه استفاده می‌شود که عبادت می‌بایست در متن انسان وارد شود، در متن زندگی او وارد شود، عبادت و نشانه آن می‌بایست در تمام حرکات، سکنت، روی کارها، گزینش‌ها، تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری‌های انسان اثرگذار باشد.

لذا در قرآن کریم داریم:

﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره / ۱۳۸)

«این است نگارگری الهی و کیست خوش‌نگارتر از خدا و ما او را پرستندگان ایم»

بر رخسارشان نشانه‌هایی از سجود هست. اگر انصافاً عبادت اینگونه در زندگی انسان راه پیدا کند زندگی انسان دگرگون می‌شود. تمام حب و بغض‌های انسان بر محور بندگی قرار می‌گیرد، تمام گزینش‌ها و کارهای کوچک و بزرگ انسان «صبغة الله» در او راه پیدا می‌کند، او زندگی‌اش رنگ خدایی پیدا می‌کند (بامری، ۱۳۸۸ ش: ۶۵-۶۴).

اقامه نماز در جامعه هدف (اداره‌ها، سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها، دانشگاه‌ها و ...) نقش بسیار سازنده‌ای دارد، چراکه نماز از هرگونه فساد جلوگیری خواهد نمود. اگر اقامه نماز در جامعه هدف با توجه به تأکید مکتب دین مبین اسلام مد نظر باشد آن جامعه صالح خواهد شد و فسادها ریشه کن و مسئولیت‌پذیری بالا خواهد رفت. هم‌چنین در جایی که آدمی خودش هست و خودش، از تمام وسوسه‌های شیطان امین و در امان خواهد ماند و آدمی به کمک اثرات مفید نماز که بر روح و روان آن‌ها تأثیر گذاشته است به وظایف خویش تعهد داشته و مانع از کاهلی در امورات محوله می‌شود به عبارتی هر چیزی در سر جای خودش قرار می‌گیرد.

عوامل غفلت و سستی در اقامه نماز

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قَوْلٍ لِّلْمَصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُونَ ﴿وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾ (ماعون / ۷ تا ۴)

«پس وای بر نمازگزارانی. که از نمازشان غافل‌اند. آنان که ریا می‌کنند. و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می‌ورزند»

لذا کسانی که درباره نمازشان سهل‌انگاری و غفلت دارند. مقصود از غفلت از نماز و تهاون و سستی در نماز موارد زیادی است از جمله:

اولاً: از مواردش این است که نماز را اهتمام نداشته باشد که همیشه بخواند بلکه گاهی وقت‌ها نماز بخواند و گاهی وقت‌ها نماز نخواند. موقعی که بیکار است نماز بخواند، ولی موقعی که کار دارد، بگوید کار دارم، سهل‌انگاری در نماز بکند.

ثانیاً: از معانی غفلت از نماز این است که ارکان و شرایط نماز را رعایت نکند، این شخص نمازش باطل است و هرچند که به ظاهر می‌خواند.

ثالثاً: غفلت در نماز این که اهتمام به نماز اول وقت نداشته باشد، اول کارش را انجام بدهد، بعدش بیاید سراغ نماز، این رفتار در مورد نماز درست نیست. مگر اینکه کار طوری باشد که فوری از دست می‌رود. بعد حتی در این مورد هم دلش متوجه نماز باشد (بامری، ۱۳۸۸ ش: ۱۴۵-۱۴۴).

اسرار نماز

از جمله ادله‌ای که می‌گوید: برای نماز چون سایر عبادات رازی وجود دارد این است که نماز جزئی از آسمان‌ها، و زمین نظام خارجی موجود شمرده شده و هر موجودی که پاره‌ای از نظام عینی و خارجی شمرده شود، برای او جنبه غیبی و نهانی است، چنانکه برای او شهادت است و خداوند سبحان در این باره فرموده:

﴿وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا فاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (هود / ۱۲۳)

«و نهان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و تمام کارها به او بازگردانده می‌شود پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست» (جوادی آملی، ۱۳۹۲ ش: ۲۲)

و از چیزهایی که با همان تقریب استدلال دلالت نماز و غیر نماز دارای رازهای نهانی است کلام خدای سبحان است که می‌فرماید:

﴿وَلَنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ﴾ (حجر / ۲۱)

«و هیچ چیز نیست مگر آن که گنجینه‌های آن نزد ماست و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم»

و نیز این آیه شریفه:

﴿هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ﴾ (منافقون / ۷)

«آنان کسانی‌اند که می‌گویند به کسانی که نزد پیامبر خداوند انفاق کنید تا پراکنده شوند و حال آنکه گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند»

به این بیان که نماز پدیده‌ای خارجی است چنانکه خواهد آمد پس گنجینه، بلکه گنجینه‌هایی دارد، نه اینکه برای همه اشیاء جمعاً گنجینه‌هایی باشد، تا مجموع در برابر مجموع دیگر باشد. بنابراین برای هر یک از آنچه در جهان طبیعت موجود است، گنجینه‌هایی است که برخی از آن‌ها فوق بعضی دیگر قرار دارند. این سخن با تعدد عوالم که گفته شد انطباق دارد. چون قرآنی که دربردارنده نماز و غیر نماز است، در جهان طبیعت یک شیء خارجی است، پس برای قرآن با محتوای که دارد نیز گنجینه‌هایی الهی است که از آن نازل شده است، گنجینه‌هایی که در طول یکدیگر قرار دارند، چنانکه نماز و غیر نماز جز نظام کیانی است که از آن به آسمان‌ها و زمین تعبیر شده است، پس نماز نیز گنجینه‌هایی دارد، زیرا برای آسمان‌ها و زمین گنجینه‌هایی است (جوادی آملی، ۱۳۹۲ش: ۲۳).

علت وجوب نماز صبح

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «وأما صلاة الفجر فإن الشمس إذا طلعت تطلع على قرن شيطان فأمرني ربّي أن أصلي قبل طلوع الشمس صلاة الغداة وقبل أن يسجد لها الكافر لتسجد أمتي الله عز وجل وسرعتها أحب إلى الله عز وجل وهي الصلاة التي تشهدا ملائكة الليل وملائكة النهار»: «اما نماز صبح، پس هنگامی که آفتاب طلوع کرد، مثل این که بر شاخ‌های شیطان طلوع می‌کند. پروردگارم مرا امر نموده که قبل از طلوع خورشید و قبل از آنکه کافر برای آفتاب سجده کند، نماز صبح بخوانم؛ تا آنکه اتم برای خداوند سجده نمایند، و زود بجای آوردن آن در پیشگاه خداوند محبوب‌تر است. این نمازی است که ملائکه شب و روز شاهد آن می‌باشند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۹).

علت وجوب نماز ظهر

عده‌ای از رسول خدا (ص) علت نمازهای پنج‌گانه را، که در پنج وقت از شبانه‌روز واجب شد، پرسیدند. آن حضرت فرمودند: «علت وجوب نماز ظهر از این قرار است: همانا در هنگام زوال آفتاب، همه چیز در این عالم خلقت خداوند سبحان را تسبیح می‌گویند و به حمد خداوند مشغول می‌شوند مگر عرش خدا، در این موقع خداوند بر من درود

می‌فرستد، در این ساعت خداوند نماز را بر من و امتم واجب ساخته و در قرآن مجید آمده است، نماز را اول وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار، و این ساعتی است که جهنمیان را در قیامت به جهنم وارد می‌کنند، پس در این ساعت هر مؤمنی در حال رکوع یا سجود یا قیام مشغول باشد خداوند سبحان جسدش را بر آتش جهنم حرام می‌گرداند».

علت وجوب نماز عصر

رسول خدا(ص) هم‌چنین فرمود: «اما علت وجوب نماز عصر، و آن در ساعتی است که حضرت آدم از آن میوه که از خوردن آن نهی شده بود، خورد و خداوند او را از بهشت خارج کرد، پس خداوند ذریه حضرت آدم را امر به نماز عصر نمود، و خداوند سبحان این نماز عصر را برای امت من نیز اختیار نمود و این نماز از محبوب‌ترین نمازها در نزد خداوند است و مرا سفارش نمود به حفظ بیش‌تر این نمازهای یومیه».

علت وجوب نماز مغرب

رسول خدا(ص) سپس فرمود:

«اما علت وجوب نماز مغرب، و آن در ساعتی است که خداوند سبحان توبه حضرت آدم را در آن ساعت قبول نمود، و پذیرفتن توبه آدم بعد از سیصد سال پس از خوردن حضرت آدم از آن میوه درخت که نهی شده بود، طول کشید و در روزهای آخر یک روز که ما بین نماز عصر و عشا مانند هزار سال بود، و حضرت آدم، سه رکعت نماز مغرب به جای آورد، رکعتی برای خطای خویش و رکعتی برای خطای همسرش حوا و رکعتی برای قبول توبه‌اش. پس خداوند این سه رکعت را بر امت من واجب کرد. در هنگام مغرب دعا مستجاب می‌شود، پروردگارم به من وعده داده که دعای مؤمنین را در این وقت مستجاب نماید و این همان نمازی است که خداوند در قرآن امر به آن نموده و فرمود خدا را هنگام شام و صبحگاه در نماز مغرب و صبح تسبیح و ستایش گویند».

علت وجوب نماز عشا

سرانجام رسول خدا(ص) فرمود: «اما نماز عشا پس همانا در قبر و روز قیامت تاریکی همه جا را فرا گرفته است، لذا پروردگرم به من و امتم به نماز عشا امر فرمود: برای نورانیت قبر و روشن ساختن آن، و اینکه به من و به امتم نوری روی صراط عطا فرماید، و هر کس قدمی در راه نماز عشا بردارد، خداوند بدنش را از آتش جهنم حرام می‌گرداند و این نمازی است که پروردگار آن را برای مسلمین و انبیای قبل از من اختیار نمود» (عزیزی، ۱۳۷۹ش: ۳۱-۲۹).

وظایف مسئولین در رابطه با اقامه نماز

در هر سازمانی اقامه نماز قبل از هر چیزی متوجه شخص مسئول آن سازمان است. منظور اقامه نماز یعنی اینکه هم خود عامل به انجام فریضه واجب نماز باشد و هم دیگران را به انجام این مهم دعوت نماید. چنانچه احدی از کارکنان نسبت به نماز کاهلی نماید به نحوی رفتار نماید تا فرد مذکور به کاهلی خویش پی ببرد و قدمی در اصلاح این وضع در جهت تربیت و آگاه نمودن سایر افراد همکار بردارد. لذا از جمله اقدام‌هایی که فرد مسئول می‌تواند انجام دهد به این موارد می‌توان اشاره کرد:

توجه نمودن به فضای معنوی در سازمان تحت مدیریت خویش.

عامل بودن به انجام فرائض دینی در رأس آن‌ها نماز.

حساسیت نشان دادن به وقت نماز و صدای اذان که به معنای دعوت است.

الگو بودن، حالت دادن، روح بخشیدن به نحوه عبادت چون که نماز بی رمق، نماز خوان تربیت نمی‌کند.

حذر از هرگونه اعمال زور و یا قدرت در اقامه نماز.

حذر از نماز فردی و بپا داشتن نماز در ساعات اداری به صورت نماز جماعت.

توجه به وضوخانه مناسب در محل کار.

اختصاص نمازخانه و ... در خور محیط کار برای داشتن محیطی معنوی.

تعامل با سازمان تبلیغات جهت اعزام روحانی مبلغ جهت اقامه نماز جماعت.

نظارت و کنترل مستمر کارکنان جهت حضور در نماز جماعت.

بررسی عوامل و معضلات زمینه‌ساز حضور کم‌رنگ کارکنان و تلاش جهت رفع این قبیل موانع.

نتیجه بحث

یافته‌های حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که

(الف) عبادت دارای ابعاد مختلفی است که تجلی آن در انسان‌ها باعث صفای روح و روان می‌گردد.

(ب) با توجه به آیات و روایات فریضه واجب نماز به کل دین معرفی شده و از برپادارنده نماز به دیندار یاد می‌شود، هم‌چنین از ارزشمندترین عبادت‌هاست که انسان‌های عاقل و خداترس بدین وسیله از نعمت‌های بی‌شمار خدادادی شکر منعم به جا آورند.

(ج) نماز با اسرار و رموز درونی خویش وسیله هدایت بشریت به سمت تعالی وجودی و عامل بازدارنده آدمی از ارتکاب گناه، غفلت‌ها، پیروی از هواهای نفسانی و شهوانی است.

(د) اقامه نماز در محیط‌های کاری از جمله سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌ها، یگان‌ها، اداره‌ها، دانشگاه‌ها و ... می‌تواند بر خودسازی افراد شاغل تأثیر جدی بگذارد، چراکه در جایی که کار رنگ و بوی الهی پیدا کند همه چیز برای رضای حق تعالی بوده و افعال آدمی به جز حسن چیز دیگری نخواهد بود؛ این مهم به درستی محقق نخواهد شد جز با مدیریت مسئولین ناظر بر اجرای مراسمات عبادی (نماز) کارکنان در محیط‌های کاری با بهره‌گیری از قرآن کریم و احادیث ائمه اطهار (ع).

(ه) آیات و روایات برای ما نماز را زنگ بیداری و هشدار در ساعات مختلف شبانه روز معرفی می‌نمایند، که به فرد برنامه می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد، در آن هنگام که او مشغول و بی‌خبر از طی زمان و انقضای عمر است او را می‌خواند، به او می‌فهماند که روزی گذشت، روزی آغاز شد، باید فعالیت کنی، مسئولیتی بزرگ‌تر بر عهده‌گیری و کار مهم‌تری انجام دهی.

و) قرآن می‌فرماید: ﴿... أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ (عنکبوت / ۴۵): «... نماز را بر پا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد...» لذا اقامه نماز در محیط‌های کاری ریشه تباهی، گناه و فساد را از محیط کاری می‌زدایند و روحیه گناه و انگیزه‌های درونی و برونی آن را خنثی و بی‌رنگ می‌سازد. محققاً نماز فرد و جامعه را از کاهلی در امورات محوله بازداشته و آن‌ها را نسبت به مسئولیت‌پذیری در قبال وظایفشان متعهد می‌سازد.

ز) نماز مهم‌ترین عامل بهره‌وری و ارتقای شغلی است چراکه وجود انگیزه معنوی در کنار وجود انگیزه مادی سبب افزایش بهره‌وری گشته و این به نوبه خود سبب بالا رفتن سطح زندگی و رفاه مردم خواهد شد. دین مبین اسلام برای نماز شرایطی را مقرر داشته است که ما با مراعات آن‌ها می‌توانیم بهره‌وری را در بخش‌های مختلف کاری افزایش دهیم.



کتابنامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- آذرنوش، آذرتاش. ۱۳۹۲ش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چاپ پانزدهم، تهران: نی.
- احمدی، علی اصغر. ۱۳۷۷ش، تحول انگیزشی انسان و ارتباط آن با نماز، جلد اول، چاپ اول، نماز و بندگی (مقالات برگزیده هشتمین اجلاس سراسری نماز)، دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، تهران: ستاد اقامه نماز.
- احسائی، ابن ابی جمهور. ۱۴۰۵ق، عوالی اللآلی، جلد اول، قم: انتشارات سیدالشهداء(ع).
- اشکوری، قطب الدین. ۱۳۸۲ش، محبوب القلوب، جلد دوم، تهران: نشر میراث مکتوب.
- افروز، غلامعلی. ۱۳۷۷ش، نماز زیباترین جلوه خردمندان، جلد اول، چاپ اول، نماز و بندگی (مقالات برگزیده هشتمین اجلاس سراسری نماز)، دبیرخانه دائمی اجلاس سراسری نماز، تهران: ستاد اقامه نماز.
- بامری زهکلو، سلیمان. ۱۳۸۸ش، پرتوی از حقیقت نماز، چاپ اول، قم: نشر عصر رهایی.
- برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ش، المحاسن، جلد اول، باب الشرائع، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۲ش، رازهای نماز، چاپ بیستم، قم: مرکز چاپ اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد دوازدهم، چاپ اول، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم: دار التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۰۸۲ق، وسائل الشیعه، جلد سوم، قم: نشر آل البيت.
- خامنه‌ای، سیدعلی. بی تا، از ژرفای نماز، قم: انتشارات بعثت.
- شعیری، محمدبن محمدبن حیدر. ۱۳۶۳ش، جامع الأخبار، قم: انتشارات رضی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. ۱۴۰۳ق، الخصال، جلد دوم، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه المدرسین.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. ۱۳۹۲ش، من لا یحضره الفقیه، جلد اول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- طوسی، علی بن حسن. ۱۴۱۱ق، مصباح المتجهد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- عزیزی، عباس. ۱۳۸۸ش، تأثیر نماز در کار، چاپ اول، قم: انتشارات صلاة.
- عزیزی، عباس. ۱۳۸۵ش، نماز و عبادت پیامبر اعظم(ص)، چاپ اول، قم: انتشارات صلاة.

عزیزی، عباس. ۱۳۸۶ش، آثار و برکات نماز در دنیا و برزخ و قیامت، چاپ چهارم، قم: انتشارات صلاة.

عزیزی، عباس. ۱۳۷۹ش، نماز و فرشتگان، چاپ دوم، قم: انتشارات نبوغ.
فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. ۱۴۱۷ق، محجة البیضاء فی تهذیب الاحیاء، جلد اول، چاپ چهارم، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.

کلینی، محمد بن اسحاق. ۱۳۶۵ش، الکافی، جلد سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
قزائتی، محسن. ۱۳۸۶ش، پرتوی از اسرار نماز، چاپ هفدهم، قم: نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، جلد ۷۹، بیروت: مؤسسه الوفاء.
مظاهری، ۱۳۹۱ش، نماز نجوای مؤمنان، چاپ اول، اصفهان: مؤسسه مطالعاتی الزهراء.
محمدی ری شهری، محمد. ۱۳۸۸ش، میزان الحکمه، جلد اول، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
نوری، میرزا حسین. ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد سوم، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

